

بررسی تطبیقی دیدگاه اسلام و غرب در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی

سهیلا بی‌ریا*

استادیار دفتر گسترش آموزش عالی، معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران.

sh_biria@msrt.ir

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۰/۶/۱۰]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۰/۴/۱۵]

چکیده

زنان نیمی از جمعیت هر کشور را تشکیل می‌دهند. از این رو، فعالیت اقتصادی ایشان به‌عنوان نیمی از نیروی کار جامعه در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بسیار مؤثر می‌باشد. جوامع مختلف دیدگاه‌های متفاوتی را در مورد نحوه مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی دارند. در دیدگاه غرب، زنان باید بدون هیچ قید و شرطی وارد بازار کار شوند و به فعالیت اقتصادی بپردازند. نقش شغلی آنان در درجه اول اولویت قرار دارد و از نقش مادری و همسری ایشان مهم‌تر است. لیکن در اسلام، ضمن تأکید بر امکان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی، بر نقش ایشان در خانواده به‌عنوان مادر و همسر تأکید شده است. اسلام اشتغال زنان را تحت شرایط خاصی قبول نموده است. در این پژوهش تلاش شده است این دو دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته و با یکدیگر مقایسه گردد. سپس پیامدها و نتایج این دیدگاه‌ها در وضعیت کنونی زندگی زنان مورد بررسی قرار گرفته است. مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای تدوین شده است.

واژگان کلیدی: مشارکت اقتصادی، اشتغال، فمینیست، اسلام، زنان.

۱- مقدمه

از دیدگاه اسلام کار بسیار مهم است. در مبانی فقهی، اصل «احترام به کار» در حوزه اقتصادی وجود دارد. براساس این اصل، کار هر شخص از نظر عرفی دارای ارزش اقتصادی می‌باشد و اجراکننده آن می‌تواند توقع دریافت پاداش اقتصادی را داشته باشد. کار موجب رفع نیاز خانواده می‌شود و رفع نیاز خانواده واجب است زیرا کسب درآمد، موجب تأمین نیازهای زندگی شده و در نتیجه آرامش برای انسان ایجاد می‌نماید.

کار را می‌توان به‌عنوان وظایفی تعریف نمود که متضمن صرف کوشش‌های فکری و جسمی بوده و هدفشان تولید کالا و خدماتی است و نیازهای انسانی را برآورد می‌سازد. (فرجی، ۱۳۹۸) شغل یا پیشه، کاری است که در مقابل مزد یا حقوق منظمی انجام می‌شود. کار در همه فرهنگ‌ها اساس نظام اقتصادی یا اقتصاد است که شامل نهادهایی است که با تولید و توزیع کالاها و خدمات سر و کار دارند. مرکز آمار ایران، شاغل را چنین تعریف کرده است: «کلیه جمعیت ده ساله و بیشتر که در هفت روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری به کاری اشتغال داشته‌اند و در این مدت (به‌طور میانگین) روزی هشت ساعت یا بیشتر کار کرده‌اند، شاغل محسوب می‌شوند (یوسفی، ۱۳۹۰). بنابراین، در اصطلاح متعارف اشتغال، به کارهای تمام وقت، دارای مزد و بیرون از خانه گفته می‌شود (امینی، حسینیان و امینی، ۱۳۹۲). مشارکت اقتصادی به معنی مشارکت در نیروی کار است. مشارکت اقتصادی به معنای حضور فعال و بالقوه افراد در بازار کار می‌باشد. (Coomans, 2011)

از طرف دیگر، زنان نیمی از جمعیت هر کشور و نیمی از نیروی کار هر کشور را تشکیل می‌دهند. زنان همچنین محور اصلی خانواده و کانون آن می‌باشند. زنان علاوه بر فعالیت‌های شخصی و خانوادگی در پیشرفت جامعه و توسعه اقتصادی کشورها نیز نقش بازی می‌کنند. پیش از این زنان در خانه می‌ماندند و به وظیفه همسری و مادری می‌پرداختند. کار و اشتغال ایشان در کنار همسر و فرزندان-شان بود. اما امروزه زنان علاوه بر نقش همسری و مادری، نقش‌های دیگری را به‌عنوان یک فرد شاغل در بیرون خانه و خانواده به عهده دارند. هر کدام از این نقش‌ها، مسئولیت‌های خاص خود را برای زنان ایجاد می‌نماید. در برخی مواقع، نقش مادری و همسری زنان با نقش شغلی آنان در تعارض قرار می‌گیرد و این موضوع برای زنان چالش‌هایی را ایجاد می‌نماید. در این شرایط این سوال پیش می‌آید که کدام نقش در اولویت بیشتری قرار دارد. آیا شغل مهم‌تر است یا نقش جنسیتی زن؟ دیدگاه اسلام در این خصوص چیست؟ در سایر جوامع، به‌خصوص کشورهای غربی با این موضوع چگونه برخورد می‌شود؟ از این نظر در این پژوهش تلاش شد به این سوالات پاسخ داده شود. بدین منظور، موضوع مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی از دیدگاه اسلام و غرب مورد بررسی قرار گرفته و با یکدیگر مقایسه گردیده است. به همین دلیل هدف این پژوهش، پرداختن به سوالاتی است که از سوی بسیاری از افراد در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی مطرح می‌شود. بنابراین در این پژوهش تلاش شده است به سوالات زیر پاسخ داده شود.

۱- دیدگاه غرب در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی چیست و این دیدگاه چه نتایجی را برای زنان در این جوامع داشته است؟

۲- دیدگاه اسلام در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی چیست؟

۳- جنبه‌های مثبت و منفی دیدگاه غرب راجع به این موضوع چیست؟

۴- تفاوت دیدگاه اسلام و غرب در این خصوص چیست؟

این پژوهش با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده و تحلیلی - توصیفی است. بدین منظور، در ابتدا نظرات مکاتب غربی در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی بررسی و مورد نقد قرار گرفته است. سپس به بررسی دیدگاه اسلام در این خصوص پرداخته می‌شود. پس از آن، دیدگاه‌های دو مکتب به صورت مقایسه‌ای بررسی و چالش‌های پیش روی زنان در این جوامع تجزیه و تحلیل می‌شود.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

مقالات متعددی با موضوع اشتغال زنان نوشته شده است که هر کدام جنبه خاصی از اشتغال زنان را مورد بررسی قرار می‌دهند. در اینجا به بعضی از آنها پرداخته می‌شود.

آزاده و مشتاقیان (۱۳۹۵) در مقاله «موانع مشارکت زنان در توسعه اجتماعی» به بررسی موانع و مشکلات منجر به تثبیت نابرابری جنسیتی در روند توسعه اجتماعی می‌پردازند. ایشان معتقد هستند که دشواری تحرک زنان (تحرک اقامتی، فیزیکی و شغلی)، محدودیت فرصت‌های اجتماعی (آموزشی، شغلی و گروهی) و فقدان وفاق استراتژیک نخبگان، از موانع اصلی مشارکت زنان در فرآیند توسعه اجتماعی می‌باشند.

العبدالخانی و بحرینی (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «اشتغال زنان از نظر اسلام»، به بررسی مبانی فقهی اشتغال زنان می‌پردازند. ایشان ادله موافقان و مخالفان اشتغال زنان را با استناد به قرآن و حدیث بیان می‌نمایند. یوسفی (۱۳۹۰) در مقاله «سیاست‌های راهبردی در اشتغال زنان از دیدگاه آموزه‌های اسلامی»، ضمن پرداختن به ویژگی‌های فطری و روانی زنان، راهکارهایی را برای اشتغال زنان مطرح می‌نمایند که رعایت این راه‌کارها موجب می‌شود در نتیجه اشتغال، زنان آسیب به خانواده و فرزندان وارد نشود.

کاشانی (۱۳۹۰) در مقاله «مبانی دینی عدالت جنسیتی و اشتغال زنان»، عدالت جنسیتی در حوزه اشتغال را با رویکرد قرآنی و روایی مورد بررسی قرار می‌دهد. آذربایجانی، (۱۳۹۸) در مقاله «عدالت جنسیتی و اشتغال زنان»، به موضوع عدالت جنسیتی در بازار کار پرداخته و دیدگاه‌های فمینیست‌ها و اسلام در مورد عدالت جنسیتی در اشتغال زنان را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

علیزاده (۱۳۸۹) در مقاله خود به بررسی اشتغال زنان و رابطه آن با توسعه اقتصادی می‌پردازد. راودراد (۱۳۷۹) به موانع و مشکلات اشتغال زنان را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

مینسر^۱ (۱۹۶۲) و بکر^۲ (۲۰۱۱) موضوع مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. مینسر سرمایه انسانی را بر اساس حداکثر سازی ارزش حال آن برای زنان محاسبه می‌نماید. بکر نیز تابع تولید فعالیت‌های خانگی و الگوی مصرف و عرضه کار خانواده را بیان می‌نماید. آنها نتیجه می‌گیرند که در اشتغال زنان، هزینه‌های نسبی تخصیص زمان بین اشتغال و فراغت متغیر مهمی می‌باشد.

گلدین^۳ (۱۹۹۵) معتقد است در کشورهای در حال توسعه نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی در بخش کشاورزی بالا است ولی با توسعه تکنولوژی، نیاز بازار کار به اشتغال زنان کاهش می‌یابد و تقاضا برای اشتغال زنان کم می‌شود. مونیچ و ویجنبرگن^۴ (۲۰۰۹)، معتقدند با توسعه بخش خدمات، فرصت‌های اشتغال برای زنان افزایش می‌یابد.

همانطور که گفته شد مقالات متعددی در مورد اشتغال زنان نوشته شده است و هر کدام جنبه خاصی از اشتغال زنان و یا مشارکت ایشان را مورد بررسی قرار داده است. لیکن در این پژوهش تلاش شده است دو دیدگاه غرب و اسلام را در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی مطرح نموده و ضمن بررسی تطبیقی این دو دیدگاه، پیامدها و نتایجی که این دیدگاه‌ها در زندگی روزمره زنان داشته‌اند بیان گردد.

1 Mincer

2 Beker

3 Goldin

4 Munchin & Wijnbergen

۲-۱- مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی در غرب

۲-۱-۱- وضعیت مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی بعد از انقلاب صنعتی

با وقوع انقلاب صنعتی در اروپا و تبدیل کار خانگی به کارخانه، تحولات اساسی در مفهوم کار پیش آمد و فعالیت اقتصادی زنان در مقابل مزد، زنان را از خانه به کارخانه کشید. در نتیجه مشارکت اقتصادی زنان افزایش یافت. قبل از انقلاب صنعتی، زنان علاوه بر مراقبت از کودکان و کارهای خانه، وظایف گوناگونی را به عهده داشتند. ولی این وظایف زنان در هماهنگی با وظایف مردان بود و خانواده یک واحد تولیدی بود. در این دوران، تعداد زنان خانه‌دار به اوج رسید و اکثریت زنان در آن موقع، کار نمی‌کردند. بعد از انقلاب صنعتی، با رشد اشتغال، محل کار از خانه جدا شد. در نتیجه تولید از مصرف جدا شد و زنان به صورت مصرف‌کننده درآمدند. در دوران جنگ جهانی اول و دوم، زنان به کار و اشتغال تشویق شدند تا بتوانند جای مردان را که به نیروهای مسلح ملحق شده بودند، بگیرند. بعد از جنگ جهانی اول، همه زنان اخراج شدند لیکن بعد از جنگ جهانی دوم، اخراج زنان به طور کامل انجام نشد. بلکه اشتغال آنها در مشاغل خدماتی صورت گرفت. مشاغلی که در بازار کار درجه دوم محسوب می‌شدند، یعنی مشاغلی بی‌ثبات با دستمزد اندک، شرایط کار نامناسب، فرصت کم برای ترفیع و پیشرفت شغلی مانند خرده فروشی، پیش‌خدمتی و مشاغل مشابه آن. همچنین زنان بیشتر در مشاغل نیمه وقت مشغول به کار می‌شدند. با گسترش مشاغل و تقسیم کار در جوامع صنعتی، جایگاه زنان تغییر کرد. در این زمان بود که موضوع «نقش‌های جنسیتی» مطرح گردید و زمینه بروز مکاتب فمینیست به وجود آمد. (آذربایجانی، ۱۳۸۸)

به «فمینیسم» آمریکا در قرن نوزده «جنش زنان» اطلاق می‌شود. لغت «فمینیست» در دهه‌ی ۱۸۹۰ در جهان غرب معانی زیادی یافت. در این دوره، معنای این واژه «حامی نقش اجتماعی فزاینده زنان و مدافع حقوق آنها به‌عنوان موجودی مستقل» بود. راهبرد اصلی در چنین نگرشی در بُعد اقتصادی زندگی زنان، بر مبنای دو اصل «فردگرایی» و «تساوی مطلق میان زن و مرد»، «برابری اقتصادی زنان با مردان» بوده و تنها روش دستیابی به آن «کسب درآمد توسط زن به واسطه اشتغال تمام وقت در خارج از خانه» می‌باشد. مهمترین مانع در برابر این هدف، وجود نقش‌هایی همچون نقش مادری و خانگی زن و نقش نان‌آوری مرد در داخل خانواده سنتی است؛ لذا فمینیسم معاصر، جنگ خود علیه نقش خانه‌داری را با نفی ازدواج سنتی همراه کرد. راهکارهای ارائه شده توسط فمینیست‌ها برای رسیدن به این هدف راهبردی عبارتند از:

- ۱- تصویب حقوق و تکالیف اقتصادی همسان با مردان برای زنان.
- ۲- تحقیر و عدم ارزش‌گذاری معنوی و مادی برای هرگونه فعالیت زن در خانه (ویژگی بارز فمینیسم معاصر این است که نقش سنتی زن به عنوان همسر و مادر را مورد تحقیر قرار می‌دهد)
- ۳- استحاله نقش‌های زن و مرد در خانواده و اجتماع به بهانه رفع تبعیض علیه زنان (به عنوان مثال از بین بردن نقش نان‌آوری مرد در خانواده و در مقابل آن ترغیب و تشویق زنان برای ایفای فعالیت‌های کاملاً مردانه، همچون کار در معادن و صنایع سنگین)
- ۴- سست نمودن و یا نابودی خانواده به عنوان اولین و اصلی‌ترین جایگاه تبعیض و ظلم بر علیه زنان (به گونه‌ای که خانواده غربی با شیب تند به سوی افول و ازهم‌گسیختگی می‌رود)

۵- ایجاد برخی قوانین و ساختارهای حمایتی در اجتماع برای تسهیل ورود زنان به اجتماع در شرایط همسان با مردان (مانند گسترش مهدکودک‌ها، مراکز پیشگیری از باروری و سقط جنین و ...) (صابری خوش اخلاق، ۱۳۹۱)

همانطور که ملاحظه می‌شود اشتغال در اندیشه فمینیست‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد. فمینیست‌ها معتقد بودند که زنان باید محیط خشک و یکنواخت خانه را رها کرده تا عقلانیت اجتماعی آنان در عرصه عمومی افزایش یابد. از نظر ایشان اولین اثر استقلال مالی زنان، ایجاد امنیت خاطری است که با اتکاء به آن بتوانند در برابر ستمگری سرپرست خانواده ایستادگی کنند. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۲) آنها معتقد بودند که ماندن زنان در خانه، آنها را به مردان وابسته می‌کند و تنها راهی که می‌توان به برابری با مردان رسید، برابری اقتصادی است. از نظر

ایشان، فرودستی زنان به دلیل موقعیت ضعیف آنها در بازار کار است که زنان را وادار به ازدواج می‌نماید. از این‌رو، آنها زنان را به بازار کار فرا می‌خواند تا وابستگی ستم‌آلود زنان به مردان از بین برود. (چراغی کوتایی، ۱۳۸۹) ایشان معتقد بودند که کار زنان در منزل هیچ چیزی تولید نمی‌کند، زن خانه‌دار، فرودست و طفیلی است و نتیجه می‌گیرند که زنان باید روانه بازار کار شوند. بر این اساس فمینیست‌های معتقد هستند که تنها داشتن شغل، ضامن استقلال زنان است و تنها راه برابری زن و مرد، نیل به برابری اقتصادی است. (کهریزی و مرادی: ۱۳۹۴)

یک مسئله دیگر که فمینیست‌ها به آن توجه دارند، کار بدون دستمزد زنان در خانه است. ایشان معتقد هستند که زنان باید دست از خانه‌داری بردارند و با اشتغال به کار دستمزدی، مثل مردان، در جهت دست یافتن به تساوی تلاش کنند. ایشان معتقد هستند با سرمایه‌گذاری در آموزش زنان و ارتقای توانایی‌هایشان، زنان می‌توانند به فرصت‌های برابر در بازار کار دست یابند و دستمزد یکسان دریافت کنند. از طرف دیگر، برخی از فمینیست‌ها معتقد هستند که کار خانگی زنان، علی‌رغم رایگان بودن، ارزشمند است، باید قدر آن را شناخت و بهای واقعی آن را داد. لذا، اعتقاد داشتن که زنان باید در مقابل کار خانگی دستمزد مطالبه نمایند. (کهریزی و مرادی، ۱۳۹۴) لیکن نهضت زن محور بدنبال برابری و عدالت حقوقی و نفی تبعیض نبوده بلکه بدنبال تشابه مکانیکی و همانندی حقوق زن و مرد، بدون توجه به تفاوت استعدادها و شرایط وجودی و تکوینی آنها است. (عطارزاده، ۱۳۸۷)

۲-۱-۲- نتایج راهکارهای اجرا شده در غرب

اعتقادات فمینیست‌ها هنوز هم در فرهنگ و اقتصاد جوامع صنعتی حاکم است. بر این اساس در جوامع غربی آن چنان به اشتغال زنان در خارج از خانه توجه می‌کنند که شغل او به‌عنوان مهم‌ترین نقش زنان مطرح نموده و نقش مادری و همسری به‌عنوان نقش دوم و فرعی قرار می‌گیرد. در نتیجه بسیاری از کارکردهای سنتی خانواده از بین رفته و دچار تغییر شده است. در غرب زنان در ازای کسب «برابری اقتصادی» مجبورند هزینه‌های بسیاری را پردازند که شاید بتوان موارد زیر را از مهم‌ترین نتایج آن دانست:

۱- ایجاد تکالیف اقتصادی برابر در مقابل شرایط نابرابر جسمی و روحی زنان با مردان: زنان ناگزیر هستند که نیمی از مخارج زندگی را تقبل کنند. شواهد نشان می‌دهد که زنان هم‌چنان در غرب مجبور به کار در داخل خانه در کنار شغل تمام وقت در خارج از خانه هستند که این امر باعث فشار مضاعف جسمی و روانی به ایشان شده است. (صابری خوش اخلاق، ۱۳۹۱).

۲- تداوم نابرابری وضعیت اقتصادی زنان و مردان و وضعیت معیشتی سخت زنان: با وجود شعارها و ادعاهای دولت‌های غربی در جهت اعطای حقوق برابر با مردان به زنان، هم‌چنان متوسط دستمزد زنان در برابر برابری کار مشابه با مردان، در حدود دو سوم دستمزد مردان است. آمار نشان می‌دهد که هم‌اکنون فقیرترین اقشار در امریکا را زنان سرپرست خانوار و کودکان تحت حضانت آنان تشکیل می‌دهند. (همان)

۳- از دست رفتن فرصت‌های مختلف آموزشی، تحصیلی، تفریحی، سلامتی و ... به جهت واگذاری مسئولیت تأمین نیازهای کوتاه-مدت و بلندمدت مالی و اقتصادی زنان بر عهده خودشان.

۴- از میان رفتن آرامش و امنیت روانی، ایجاد زمینه افزایش مخاطره‌های اخلاقی برای زنان و آسیب‌پذیری روزافزون زنان در ابعاد جسمی، روانی، اخلاقی و مالی: اجبار زن برای ورود به اجتماع و کسب شغل تمام وقت برای تأمین مخارج زندگی خود و وجود دغدغه نیاز مالی باعث خواهد شد که در اجتماع به هر نوع کاری تن دهد. لذا عدم اطمینان از آینده مالی و شغلی، دغدغه‌ای

دائمی و تمام‌نشدنی برای زن در چنین اجتماعی خواهد بود. دغدغه‌ای که همه چیز از جمله خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (همان)

۵- عدم تأمین نیازهای عاطفی و روانی زنان به دلیل سست شدن و یا نابودی خانواده: در جوامع غربی غالب زنان یا هیچگاه ازدواج نمی‌کنند و یا در صورت ازدواج به دلیل ازبین رفتن کارکردهای اصلی خانواده، نیازهای زن با ازدواج برطرف نمی‌شود، لذا موجب خواهد شد اندکی بعد از ازدواج غالباً طلاق گرفته و جزء میلیون‌ها زن سرپرست خانواده در غرب قرار گیرند و از تمام مزایایی که کارکردهای یک خانواده متعادل می‌تواند برای آنان داشته باشد، محروم بمانند. (همان)

۶- تبدیل شدن زن به عنوان ابزار تنظیم بازار عرضه و تقاضای نیروی کار و دستمزد برای نظام سرمایه‌داری: اشتغال زنان موجب می‌شود با بالا رفتن عرضه نیروی کار، سطح دستمزدها پایین آمده و سود شرکت‌ها بالا رود. لیکن هر زمان عرضه نیروی کار در بازار بالا رود اولین نیرویی که از بازار اخراج می‌شود، زنان خواهند بود تا تنظیم بازار به‌خوبی انجام گیرد (همان).

شواهد نشان می‌دهد در بسیاری از جوامع صنعتی درآمد زنان از درآمد مردان کمتر است. این در حالیست که در قرن بیستم مشارکت زنان در نیروی کار به سرعت افزایش یافته است به نحوی که امروزه فعالیت‌های اقتصادی زنان در همه عرصه‌های جوامع غربی مورد توجه قرار گرفته است. (عاطفی و زارعی، ۱۳۸۶)

بررسی آمار و شواهد نیز نشان می‌دهد زنان از نظر کمی در مشاغل مختلفی مشغول به کار هستند ولی به لحاظ کیفی در مشاغل ثانویه و جزئی فعالیت می‌نمایند. این در حالی است که مشاغل مدیریتی و مهم با دستمزد بالا در اختیار مردان است. البته در برخی موارد نیز زنان از چنین موقعیتی برخوردار هستند ولی تعداد آن در مقایسه با مردان کمتر است. (بهزادپور، ۱۳۷۸) امروزه دیدگاه غرب نسبت به زن، به تساوی حقوق زنان از همه جهات با مردان حکایت دارد بدون اینکه توجهی به تفاوت‌های طبیعی آنها شود. بر اساس دیدگاه‌های جریان فمینیستی تنها مسئله حقوقی مطرح نیست بلکه مقوله زن و مرد به‌طور کلی نفی می‌شود و تشابه زن و مرد نمود پیدا می‌کند. (ملاردی، ۱۳۷۹). بر همین اساس از بعد از انقلاب صنعتی، مشارکت زنان در عرصه اقتصادی افزایش یافته است لیکن این افزایش به دلیل نیاز شدید این کشورها به نیروی کار ارزان بوده نه به دلیل گسترش مشارکت زنان در جهت حفظ و رعایت شخصیت و منزلت ایشان. در این کشورها، زنان هم‌کنون در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌نمایند اما رفتار غرب با آنها هیچ‌گاه بر محور تساوی حقوق زن و مرد نبوده است. به نحوی که هم از نظر میزان دستمزد و هم کیفیت شغل احراز شده، زنان در مرتبه پایین‌تری از مردان قرار دارند. (عاطفی و زارعی، ۱۳۸۶) لذا، با صنعتی شدن جوامع، مفهوم اشتغال و مشارکت اقتصادی تغییر نموده و علی‌رغم حضور بیشتر زنان در مشاغل، مشکلات مختلفی پیش آمده است. تغییرات ناشی از نقش زنان، موجب تغییر در راه و رسم زندگی آنان شده است. به‌نحوی که اشتغال زنانه با نقش‌های زنانه سازگاری نداشته و همه ابعاد زندگی از جمله رضایت زناشویی، تربیت فرزند و سلامت روحی و جسمی زنان را تحت تأثیر قرار داده است. (پناهی، ۱۳۹۳) از نظر غرب، اشتغال موضوعیت دارد. در این دیدگاه سرشت و طبیعت تکوینی زنان نادیده گرفته می‌شود. به همین دلیل اشتغال به‌جای اینکه در خدمت خانواده باشد بر عکس موجب تخریب و زوال خانواده شده است.

البته امروزه متفکران غربی فقط کار خارج از خانه را اشتغال محسوب نمی‌کنند بلکه کار در خانه را به مثابه فعالیت اقتصادی می‌دانند و آن را نوعی اشتغال پنهان محسوب می‌کنند که از هیچ دستمزدی برخوردار نیست. آنها معتقد هستند که این نوع فعالیت‌ها به‌اندازه اشتغال مزدی برای اقتصاد ضرورت دارد و بخش مهمی از اقتصاد را تشکیل می‌دهد. از نظر آنها زنان خانه‌دار بخش مهمی از اقتصاد

غیر پولی را تشکیل می‌دهند ولی بابت این کار مزدی را دریافت نمی‌کنند و سهم آنها در درآمد خانواده در نظر گرفته نمی‌شود. این در شرایطی است که فعالیت‌های ایشان از آنجایی که موجب افزایش درآمد و کاهش هزینه خانوار می‌شود، بسیار مهم است.

۲-۱-۳- نقد و بررسی دیدگاه غرب در مورد اشتغال زنان

علی‌رغم اینکه برخی از فمینیست‌ها بر اهمیت کار بی‌مزد خانگی در اقتصاد جامعه تأکید می‌کنند و معتقدند که باید کار خانگی زنان به صورت معقول در اقتصاد محاسبه شود. لیکن در سایر موارد، دیدگاه‌های غرب در خصوص اشتغال زنان دارای نقاط ضعف متعددی است که در اینجا به نقد و بررسی آن می‌پردازیم.

۱- بخشی از اشکالات و ایرادات فمینیست‌ها به مبانی فلسفی و انسان‌شناختی آنان در مورد زن باز می‌گردند. ایشان مفهوم و ماهیت «زن» را صرفاً «سازه فرهنگی» می‌دانند که فرهنگ مردسالار آن را از این جهت ساخته که زن را تحت سلطه خود قرار دهد. در حالی که این فرو کاهشی، از نوع فرهنگی است و به وضعیت فیزیولوژیک زنان ارتباط ندارد (آذربایجانی، ۱۳۸۸)

۲- تقسیم کار جنسیتی انتخاب طبیعی است که در طول تاریخ پیوسته وجود داشته و هم‌اکنون نیز آثار آن در مطالعات مردم‌شناسی و جوامع ابتدایی به چشم می‌خورد، در زمان‌های دور مردان به کارهایی مثل گله‌بانی، صید ماهی، بریدن درختان، تله‌گذاری، کار در معادن، شکار، جنگ و ... می‌پرداخته‌اند و اما زنان به اموری مانند آسیاب دانه‌ها، آبکشی، آشپزی، جمع‌آوری مواد سوختی و محصولات گیاهی، دوختن، بافتن لباس، تهیه ظروف سفالی و غیره مشغول بودند. (همان)

۳- نظریه و دیدگاه‌های تفکیک جنسیتی زنان تقریباً تا قبل از دهه ۱۹۶۰ پذیرفته شده تلقی می‌گردید. لیکن جامعه‌شناسان تقسیم کار جنسیتی را عاملی مهم در همبستگی میان زن و مرد، افزایش حس تعاون و کارآمدی زن و مرد در خانه و اجتماع شمرده و معلول تفاوت تکوینی زن و مرد دانسته‌اند. (همان)

۴- تعارضات خانوادگی ناشی از اشتغال زنان بر متغیرهای جمعیتی تأثیر منفی گذاشته به نحوی که بعد خانواده، سن ازدواج، فاصله سنی زوجین را تغییر داده است. (امینی و همکاران، ۱۳۹۲)

۵- یکی از دلایل مشارکت نسبتاً پایین زنان در فعالیت‌های اقتصادی در بسیاری از کشورها، دسترسی محدود آنان به منابع اقتصادی است نه مسائل جنسیتی. در بسیاری از کشورها مالکیت زمین و سرمایه تا حد بسیار زیادی در دست مردان است. معمولاً برای یک زن، شروع فعالیت اقتصادی حتی در مقیاس کوچک به دلیل فقدان منابع لازم بسیار دشوار است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۱).

۶- نظریه سرمایه انسانی که تقریباً نیم قرن از طرح اولیه آن گذشته، بر ارزش اقتصادی آموزش تأکید دارد. طرفداران این نظریه بر این باورند که سرمایه‌گذاری در این زمینه ضمن ارتقای ظرفیت و کیفیت افراد از طریق آموزش، موجب فعالیت‌های اقتصادی مفیدتر و درآمد بیشتر می‌شود. بنابراین، آموزش، تمایل زنان و امکان دستیابی آنان به اشتغال را فراهم می‌نماید (مامن و پاکسون، ۲۰۰۰). این در حالی است که قطعیت چنین رابطه‌ای با پژوهش‌ها و شواهد بسیار نیز مورد تردید قرار گرفته است. به نحوی که امروزه حتی سرسخت‌ترین طرفداران نظریه سرمایه انسانی می‌پذیرند که سرمایه‌گذاری بر آموزش مردان و زنان، پاداش یکسانی را فراهم نمی‌آورد و تصور اینکه صرفاً با سرمایه‌گذاری در آموزش زنان و ارتقای توانایی‌هایشان می‌توانند به فرصت‌های برابر در بازار کار دست یابند و دستمزد یکسان دریافت کنند مورد تردید جدی قرار گرفته است. تجربیات نشان می‌دهد که عوامل دیگری از جمله ارزش‌های سنتی

جامعه، فرایند جامعه‌پذیری متفاوت مردان و زنان، رقابتی نبودن بازار کار، تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی در بازار کار و ... بر دستیابی زنان به شغل و مشارکت اقتصادی ایشان موثرند (شادی‌طلب و حاجتی کرمانی، ۱۳۹۴).

۷- مشارکت زنان در بازار کار به دلیل نقش طبیعی پرورش کودک ضرورتاً متناوب است. به تعبیری، به علت تداخل نقش، آموزش و مهارت زنان شرط کافی برای مشارکت در بازار کار نیست. این مورد در کشورهای در حال توسعه که مراکز حمایتی کمک به مادران در مراقبت از کودکان مناسب نیست تبلور بیشتری دارد. (غفاری و یوسفی، ۱۳۹۷)

۸- تقسیم کار جنسیتی امری اجتماعی و نه طبیعی است. گروهی از اقتصاددانان وجود رفتار تبعیض‌آمیز علیه زنان در بازار کار را ناشی از انتظار کارایی پایین از آنان می‌دانند. (ملک‌زاده، ۱۳۹۲) انتظار کارایی باتوجه به شرایط زنان، ریسک حضورشان در بازار کار را برای ایشان افزایش می‌دهد. این نوع تبعیض، نتیجه عملکرد بازار کار است. در این شرایط، احتمالاً زنان برای ورود به بازار کار یا بهبود جایگاه شغلی تلاش جدی صورت نمی‌دهند و دور باطل تکرار خواهد شد. (همان،). همچنین، زنان نسبت به توانایی خود در مقایسه با مردان اطمینان کمتری دارند. به طور کلی زنان بیشتر از مردان به کار نیمه وقت تمایل دارند. آنها در زمینه‌های شغلی خاصی تجمع پیدا کرده‌اند. اغلب آنها در کارهای کم منزلت و با پرداختی پایین نسبت به مردان قرار دارند و عمدتاً در مشاغل بهداشتی، درمانی و آموزشی مشارکت می‌نمایند. در مجموع زنان تمایل بیشتری به انتخاب مشاغل پایین‌تر نسبت به مردان دارند. این تفاوت در وضعیت شغلی، در دستمزد آنها هم منعکس می‌شود (غفاری و یوسفی، ۱۳۹۷)

۲-۱-۴- مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی از دیدگاه اسلام

۲-۱-۴-۱- دیدگاه اسلام به فعالیت اقتصادی زنان

بررسی آیات و روایات و سیره عملی مسلمانان نشان می‌دهد که اسلام اشتغال زنان را به رسمیت شناخته است. قرآن به زن مسلمان می‌آموزد که می‌تواند در جامعه حضور فعال و مؤثر داشته باشد و رسالت خویش را در کنار رسالت تربیت فرزند، در صحنه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی به انجام رسانند. بنابراین، زن مسلمان نیز می‌تواند از همه مواهب اجتماعی و اقتصادی برخوردار باشد و در چارچوب قوانین و موازین، در تمام شئون اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی فعالانه مشارکت نماید. تاریخ اسلام نیز شاهد این معنا است که زنان مسلمان از صدر اسلام همواره، فعالانه در جامعه حضور داشته و در کنار مردان نقش مهمی را ایفاء کرده‌اند. نگاهی به زندگی حضرت خدیجه B اولین بانوی اسلام و کمک بی‌دریغ او به رسول خدا 9 در پیشبرد اسلام و نیز نقش دخت گرامی آن حضرت، حضرت فاطمه B در دفاع از مقام ولایت و همچنین نقش حضرت زینب کبری B در واقعه کربلا و وقایع پس از آن، مؤید این موضوع می‌باشد.

از آیات قرآن نیز این نتیجه بدست می‌آید که ارزش کار و تلاش برای همه انسان‌ها یکسان است و فرقی بین زن و مرد وجود ندارد. زیرا، خطاب قرآن در مورد اشتغال عام است. در قرآن در سوره نحل آیه ۹۷ آمده است «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰٓةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ اَجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ» یعنی «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالیکه مؤمن است، به طور مسلم او را حیات پاکیزه می‌بخشیم؛ و پاداش آنها را مطابق با عملی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.» منظور این آیه این است که ملاک پاداش، سن، نژاد، جنسیت، موقعیت اجتماعی و سیاسی و ... نیست بلکه ملاک، عمل صالح است و زن و مرد در کسب کمالات معنوی یکسان هستند. حتی یک عمل صالح بی‌پاسخ نمی‌ماند و هر جا که تفکر جاهلی مبتنی بر تحقیر زن باشد، باید نام و مقام زن را به صراحت نام برد. (مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ).

لذا، اسلام حقوق تکوینی برای زن و مرد قائل نشده است و هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست. اسلام اصل مساوات انسان‌ها را در مورد مرد و زن رعایت کرده است و با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آنها مخالف است. (مطهری، ۱۳۷۵). یکی از حقوق اقتصادی زنان، اشتغال زنان می‌باشد. در سوره نساء آیه ۳۲ آمده است: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» یعنی «برتریهایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید! (این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما، و بر طبق عدالت است. ولی با این حال) مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد). از فضل (رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید! و خداوند به هر چیز داناست.» لذا برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است این آیه مؤید حق مالکیت زن و مرد بر نتیجه کار خویش است و به‌طور ضمنی به زنان اجازه کار و اشتغال می‌دهد. هم‌چنین در سوره نجم آیه ۳۹ آمده است: «وَأَنْ لِّیْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» یعنی «و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.» لذا، بررسی آیات به‌طور عام زنان و مردان را به کار و تلاش تشویق می‌نماید و کار و تلاش را برای زن و مرد مجاز می‌شمارد.

بررسی تاریخ اسلام هم نشان می‌دهد اشتغال زنان در عصر پیامبر ۹ نیز به شکل گسترده‌ای رواج داشت و زنان در تمامی مشاغل رایج آن زمان حضور داشتند. زنان در مشاغلی مانند پزشکی، تجارت و صنایع دستی مشغول فعالیت بودند زنان زیادی به امر شبانی و دامداری می‌پرداختند. (عیوضی و کریمی، ۱۳۹۰) لذا، از نظر اسلام، زنان از آزادی در انتخاب شغل برخوردار هستند. لیکن از نظر اسلام، زن باید بدون داشتن دغدغه‌های مالی و اجتماعی، با فراغ بال و آرامش، مدیریت داخلی خانواده و نقش جنسیتی خود را انجام دهد و مرد موظف است تمامی نیازها و حاجات اقتصادی خانواده را تأمین کند. به عبارت دیگر، از نظر اسلام زن مجبور نیست برای خودش و خانواده‌اش کار بکند و نفقه دادن توسط مرد به زن واجب شرعی است. لذا آنچه از احکام استنباط می‌شود این است که وظیفه رفع نیاز خانواده به دوش زنان نیست. چرا که دست تکوین وظیفه‌ای بس مهم بر دوش آنها قرار داده است. ولی زنان با مصلحت‌اندیشی و بررسی علایق و استعدادهای خویش و داشتن فرصت می‌توانند به امور کسب درآمد و اشتغال بپردازند. به هر حال اشتغال زنان تکلیف نیست بلکه حقی است که زنان می‌توانند از آن استفاده کنند. (کاشانی، ۱۳۹۰)

۲-۲- شرایط اشتغال زنان از دیدگاه اسلام

از نظر اسلام، اشتغال زنان نامحدود نیست بلکه مشروط به شرایط خاصی می‌باشد. لذا در اشتغال زنان به سه نکته باید توجه شود که عبارتند از:

۱- شرایط واگذاری کار به زنان است.

۲- فعالیت‌های اقتصادی که زنان از آنها منع شده‌اند.

۳- آدابی که زنان باید در تعامل با مردان در اجتماع رعایت نمایند.

۲-۱- شرایط واگذاری کار به زنان

در شرایط واگذاری کار به زنان از دید اسلام، به چهار نکته باید توجه شود، که عبارتند از:

۱- مصلحت جامعه: در واگذاری شغل به زنان باید دقت کرد که چه پیامدهایی دارد آیا تأثیر مثبت دارد و موجب پیشرفت جامعه می‌شود و یا اینکه اثر منفی و مخرب دارد و موجب رکود اخلاقی جامعه خواهد شد.

۲- مصلحت خانواده: قداست و استواری خانواده از نظر اسلام بسیار مهم است لذا، اشتغال زنان نباید مانع استحکام خانواده شود.

۳- شرایط و مسائل فردی زنان: در واگذاری شغل باید به مصالح شخصی آنان نیز توجه بشود. باید شغل متناسب با توانمندی زنان باشد و نباید به قابلیت‌های او خدشه وارد نماید.

۴- لحاظ کردن اولویت کاری به مرد و زن: در واگذاری کار باید به بازدهی و امکانات و توانایی‌های افراد توجه شود. اینکه زن برای این شغل مناسب‌تر است یا مرد، بستگی به شرایط شغل دارد. در برخی از شغل‌ها مانند معلمی و پرستاری زنان بهتر از مردان عمل می‌کنند ولی برخی از شغل‌ها مانند باربری، مکانیکی و آهنگری برای مردان مناسب‌تر هستند. نکته دیگری که باید توجه داشت این است که بیکاری کدام گروه موجب ضرر بیشتر جامعه می‌شود. (محمدی، ۱۳۸۵)

۲-۲-۲- فعالیت‌های اقتصادی ممنوع برای زنان

با تمام آزادی که اسلام برای اشتغال زنان قائل شده است، اشتغال در سه نوع کار برای زنان ممنوع شده است. این امر به دلیل تکالیفی است که این مشاغل بر دوش زنان می‌گذارد. مشاغل ممنوعه برای زنان عبارت است از: ۱- قضاء، ۲- جهاد و ۳- افتاء.

۱- قضاء: قضاء یک تکلیف دینی است نه کار اجتماعی. مهم‌ترین دلیل منع زنان در امور قضاوت این است که ممکن است زنان به دلیل عاطفه و احساسی که دارند، موفق به بررسی بی‌طرفانه جرم نشوند و در قضاوت اشتباه کنند. لیکن از نظر اسلام، زنان حق شهادت دارند. البته در مورد منع زنان از قضاوت نیز بین فقها اختلاف نظر وجود دارد.

۲- جهاد: اگر جهاد به منظور گسترش اسلام و توسعه جغرافیایی اسلام باشد، زنان وظیفه‌ای برای جهاد ندارند و فقط مردان حق شرکت در این نوع جهاد را دارند و این وظیفه از دوش زنان برداشته شده است. ولی اگر جهاد جنبه دفاعی داشته باشد و برای دفاع از اسلام باشد، بر تمام افراد جامعه از جمله زنان واجب کفایی است که از میهن خود دفاع کنند.

۳- افتاء: افتاء از اموری است که زنان مکلف به انجام آن نیستند. مرجعیت دینی شرایط خاص خود را می‌طلبد و فقط فقهای ذکور حق مرجعیت دینی را دارند. (محمدی، ۱۳۸۵)

۲-۳- آداب تعامل بین زن و مرد در جامعه

آدابی که زنان موظف هستند در تعامل با مردان در محیط کار رعایت نمایند عبارت است از:

۱- اجتناب از نگاه وسوسه انگیز: «غض بصر» که در قرآن آمده است به معنای بستن دیدگان نیست بلکه به معنای خودداری از نگاه فتنه انگیز است.

۲- اجتناب از مصافحه: یکی دیگر از آداب مشارکت زنان در جامعه پرهیز از مصافحه و دست دادن است. از نظر اسلام، لمس بدن نامحرم به هر شکلی حرام است.

۳- اجتناب از خلوت گزینی: یکی دیگر از آداب مشارکت، خودداری از خلوت کردن زن و مرد نامحرم در محیط کار است.

۴- اجتناب از اختلاط: اسلام اختلاط و حضور غیرضروری زن را در اجتماع مردان ممنوع کرده است.

۵- اجتناب از گفتگوهای مغالزه‌انگیز: گفتگویی که فتنه‌انگیز باشد، بین زن و مرد ممنوع است.

۶- اجتناب از قراردادن خویش در جایگاه اتهام: فرد مسلمان باید به ملاک‌ها و معیارهای ارزشی جامعه احترام بگذارد و به بایدها و نبایدها عنایت کامل داشته باشد، تا مورد اتهام قرار نگیرد.

۷- پوشش مناسب: در اسلام، حجاب برای زن واجب است. زن مسلمان باید سنگین، پوشیده و ساده از منزل خارج شود. بدین ترتیب از مفاسد اخلاقی و اجتماعی جلوگیری می‌شود. حتی در کشورهای غربی نیز زنانی که دارای شخصیت و حیثیت برجسته‌ای هستند، نیمه برهنه در اجتماع ظاهر نمی‌شوند. از دید اسلام، زنان باید از دید نامحرم خود را بپوشانند. از پوشیدن لباس‌های مردانه خودداری نماید و لباس‌هایی که با عرف جامعه ناسازگار است نپوشند. خودآرایی نکند و حیا و نجابت در رفتار آنان وجود داشته باشد. (احمدی و جربندی، ۱۳۹۰)

لذا، از نظر اسلام حضور زنان در جامعه و مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی منعی ندارد ولی باید آداب و ضوابط آن را رعایت نمایند. لذا، با رعایت موارد فوق و در صورتیکه نقش جنسیتی اشتغال زنان با نقش شغلی آنان در تعارض قرار نگیرند، اشتغال زنان بلا مانع است.

۲-۳- بررسی تطبیقی دیدگاه اسلام و غرب در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی

در دیدگاه غرب، مردسالاری به عنوان یک مکانیسم مهم تحدیدکننده دسترسی زنان به فرصت‌های اقتصادی است. زیرا به طور سنتی در همه فرهنگ‌ها مرد جنس برتر تلقی شده و این طرز تلقی از مرد و زن، به عنوان جنس برتر و جنس ضعیف بر روی تمام فعالیت‌های زنان تاثیر گذاشته و آنان را عملاً در شرایط اجتماعی خاص قرار می‌دهد. کار اصلی زنان خانه‌داری و بچه‌داری تلقی می‌شود که هیچ‌گونه ارزش اقتصادی ندارند. بنابراین، به واسطه اینکه کارها بدون مزد انجام می‌شوند، زنان موجودی ضعیف تصور شده و چنانچه بخواهند در عرصه کار و فعالیت اجتماعی وارد شوند با این تلقی از آنان، کمتر به کار گرفته می‌شوند، دستمزد کمتری می‌گیرند و امکان رشد نخواهند داشت (سفیری، ۱۳۷۷) این در حالی است که کار زنان در خارج از خانه نیز خالی از تبعیض نیست. تبعیض میان مردان و زنان شاغل از نظر نابرابری دستمزدها، عدم امکان ارتقای شغلی مساوی، نا امنی شغلی و ... منجر به دلسردی زنان در ورود به بازار کار می‌شود. تحقیقی تجربی در ارتباط با توزیع دستمزد در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نشان می‌دهد که مردسالاری مهمترین عامل فرهنگی در شکاف جنسی دستمزدها است. تفاوت دستمزد در جوامع مردسالار بالاتر است و این عامل بر مشارکت پایین‌تر زنان در بازار کار موثر است به طور کلی نابرابری جنسیتی به عنوان یک مانع و محدودکننده ساختاری، هم در ورود زنان به بازار کار و هم در ماندگاری آنان در اشتغال، اثرگذار است. (غفاری و یوسفی، ۱۳۹۷)

مشخص است که دیدگاه اسلام با دیدگاه غرب در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی متفاوت است. از نظر اسلام، مادری و تربیت فرزند وظیفه اصلی زنان و نان‌آوری وظیفه مردان است. حتی در مورد کار در خانه توسط زنان گفته شده است که زن وظیفه ندارد در خانه خدمت نماید، غذا تهیه کند و نظافت انجام دهد، مگر به میل خویش. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳) از دیدگاه غرب «کارهای خانگی» هیچ‌گونه حقی را برای کسب درآمد مستقل برای زنان به وجود نیاورده است. از این رو زنان برای کسب درآمد مستقل باید در بیرون خانه هم کار کنند و یا اینکه در ازای انتقال درآمد به مردان وابسته شوند. این وضعیت، زنان را در شرایط ناامنی قرار می‌دهد. لیکن، طرح اجرت‌المثل که از سوی اسلام برای زنان در نظر گرفته شده است، که مبین ارزشی است که اسلام بر زن و بهای کار او در نظر گرفته است. (باقری، ۱۳۹۰) زنان خانه‌دار بخش مهمی از اقتصاد غیر پولی را تشکیل می‌دهند، لیکن بابت کار مزدی را دریافت نمی‌کنند و سهم آنها در درآمد خانواده در نظر گرفته نمی‌شود. این در شرایطی است که فعالیت‌های ایشان از آنجایی که موجب افزایش درآمد و کاهش هزینه خانوار می‌شود، بسیار مهم است. این در حالی است که از نظر اسلام، خدمت زنان در منزل و یا

شیردادن به فرزندان، اجباری نیست و جز وظایف زنان محسوب نمی‌شود. همچنین زنان می‌توانند حتی برای شیردهی به فرزندان خود از همسران شان اجرت مطالبه نمایند این موضوع در آیه ۲۳۳ سوره بقره به صراحت بیان شده است. در این زمینه خداوند متعال زنان را مختار کرده است تا اگر او خواست کار منزل را انجام دهد. از این رو کار زنان در منزل برابر عبادت مستحبی است. (بی‌ریا، ۱۳۹۹)

این در حالیست که در دیدگاه غرب، اشتغال زنان در خارج از خانه در ساعت معین، باعث آسیب‌پذیری تربیت فرزندان شده و سلامت زنان و خانواده را تحت تأثیر قرار داده است. از طرف دیگر، در مورد اشتغال زنان و شعار «مزد برابر در برابر کار برابر» که شعار فمینیست‌ها است، باید اذعان کرد که اشتغال زنان اگرچه با هدف برابری اقتصادی و اجتماعی مطرح شده ولی در عمل، بی‌عدالتی و نابرابری شدیدی را برای زنان بوجود آورد. زیرا اشتغال زنان یعنی اینکه زن دو شغل دارد ولی مرد یک شغل. یعنی یک شغل حرفه‌ای زن و دیگری کار در خانه او. یعنی زنانی که در خارج از خانه کار می‌کنند باید وظایف مربوط به منزل را هم انجام بدهند. این موضوع با توجه به کمبود وقت زنان و محدود بودن توان آنها، به ایشان فشار وارد می‌نماید و موجب کم‌حوصلگی، عصبانیت و افسردگی زنان شده، تمایل به فرزندآوری آنها را کم می‌نماید. از طرف دیگر، زنان ناخواسته روحیه تقابل پیدا می‌کنند که این آغازی برای فروپاشی خانواده می‌گردد. (کهریزی و مرادی، ۱۳۹۴)

۴- بحث و نتیجه‌گیری

دیدگاه اسلام با دیدگاه غرب در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی متفاوت است. در دیدگاه غرب، زنان باید بدون هیچ قید و شرطی وارد بازار کار شوند. در این دیدگاه شغل زن مهمترین نقش او است و نقش مادری و همسری زنان به صورت فرعی و در اولویت دوم قرار گرفته است. این موضوع زنان را با چالش مواجه نموده است. زیرا زنان ناگزیر هستند برای تأمین هزینه زندگی خود وارد بازار کار شوند و علاوه بر فشار کار در خانه، فعالیت‌های شغلی را هم انجام دهند. از طرف دیگر به دلیل نداشتن توان رقابت با مردان، امکان دستیابی به مشاغل بالاتر را ندارند و ناگزیر در مشاغل درجه دوم با حقوق کمتر فعالیت نمایند.

لیکن در دیدگاه اسلام ضمن تأکید بر امکان اشتغال و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی، بر نقش ایشان در خانواده به‌عنوان همسر و مادر تأکید شده است. تا حدی که اعلام شده اشتغال زن تکلیف او نیست. بلکه حقی است که زنان می‌توانند از آن استفاده نمایند. از نظر اسلام، حتی خدمت خانم‌ها در منزل و شیر دادن به فرزندان، اجباری نیست. و زنان می‌توانند بابت شیر دادن به فرزند از همسرشان اجرت مطالبه نمایند. همچنین کار زنان در منزل، عبادت مستحبی تلقی می‌شود. لذا از نظر اسلام، اشتغال زنان بلامانع است ولی اشتغال زنان باید با ملاحظاتی انجام شود: ۱- اشتغال نباید تعارضی با نقش مادری و همسری زن داشته باشد. ۲- انتخاب شغل از سوی زنان با در نظر گرفتن ملاحظات خانوادگی و اجتماعی صورت گیرد. ۳- شغل باید متناسب با توانایی‌های زنان باشد.

بدیهی است رعایت شرایط فوق به‌همراه تعدیل ساعات کار زنان و مشارکت همسران در امور منزل، می‌تواند در ارتقای مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی موثر باشد.

۵- تقدیر و تشکر

با تشکر از تمام دوستانی که در این پژوهش ما را یاری رساندند.

۶- منابع

- ۱- آزاده، آ.، و مشتاقیان، م. (۱۳۹۵). موانع مشارکت زنان در فرآیند توسعه اجتماعی. فصلنامه توسعه اجتماعی ایران، ۱۷(۱)، ۳۱-۵۵.
- ۲- آذربایجانی، م.، (۱۳۸۸). عدالت جنسیتی و اشتغال زنان. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ۱۲(۴۶)، ۸۱-۱۱۶.

- ۳- احمدی، م. و سیدی جربندی، ر. (۱۳۹۰). مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه کتاب، سنت و فقه اسلامی. *فصلنامه زن و جامعه*، ۲(۱)، ۱۴۱-۱۵۹.
- ۴- عبدالخانی، س.، و بحرینی، ج. (۱۳۹۴). جایگاه اشتغال زنان از نظر اسلام. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۲(۵)، ۱۱۹-۱۳۷.
- ۵- امینی م.، حسینیان، س.، امینی، ی. (۱۳۹۲). بررسی ورود زنان به عرصه اشتغال و تأثیر آن بر میزان قدرت آنها در تصمیم‌گیری‌های درون خانواده. *فصلنامه زن و جامعه*، ۴(۱۳)، ۱-۲۸.
- ۶- باقری، ش. (۱۳۹۰). ارزش افزوده کار خانه داری زنان و عوامل موثر بر آن. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، ۳۴(۱)، ۸۹-۱۱۰.
- ۷- بهزادپور، س. (۱۳۷۸). *زنان در توسعه مفاهیم اسلامی*. چاپ اول. انتشارات خرداد.
- ۸- بی‌ریا، س. (۱۳۹۹). بررسی دیدگاه اسلام در مورد عملکرد اقتصادی زنان و نقش آنان در توسعه اقتصادی. *فصلنامه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای زنان*، ۲(۳).
- ۹- راودار، ا. (۱۳۷۹). تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تأکید بر اشتغال. *نامه علوم اجتماعی*، ۱۵، ۳-۲۷.
- ۱۰- زیبایی‌نژاد، م. (۱۳۸۲). فمینیسم و دانش فمینیستی. ترجمه مجموعه مقالات، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ۱۱- پناهی، ع. (۱۳۹۳). جنسیت، اشتغال و بایدها و نبایدها. *فصلنامه تربیت اسلامی*، ۴۶-۲۷.
- ۱۲- چراغی کوتایی، ا. (۱۳۸۹). *خانواده، اسلام و فمینیسم*. قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ۶.
- ۱۳- سفیری، خ. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی اشتغال زنان*. چاپ دهم. انتشارات تبیان، تهران، ایران.
- ۱۴- شادی طلب، ژ.، و حاجتی کرمانی، ف. (۱۳۹۴). فقر و سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۷(۲۸)، ۳۵-۵۶.
- ۱۵- صابری خوش اخلاق، ز. (۱۳۹۱). مقایسه تطبیقی دو رویکرد مکتب اسلام و فمینیسم به تأمین امنیت اقتصادی زنان. *اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده*.
- ۱۶- کاشانی، ز. (۱۳۹۰). مبانی دینی عدالت جنسیتی و اشتغال زنان. *مجله تحقیقات زنان (مجله مطالعات زنان)*، ۵(۲)، ۱۳۸-۱۵۹.
- ۱۷- کهریزی، م.، و مرادی، ع. (۱۳۹۴). چالش‌های اخلاقی اشتغال زنان برای خانواده. *پژوهش نامه اخلاق*، ۸(۲۸)، ۲۳-۴۰.
- ۱۸- عاطفی، ق.، و زارعی، پ. (۱۳۸۶). بررسی اشتغال زنان از دیدگاه اسلام و غرب. مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای زن در نظام حقوقی اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آستارا.
- ۱۹- عطارزاده، م. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی مفهوم زن در اسلام و غرب. *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، ۱۱(۴۲)، ۴۱-۷۸.
- ۲۰- عزیززاده، م. (۱۳۸۹). نقش اشتغال زنان در توسعه. *فصلنامه زن و فرهنگ*، ۲(۵)، ۴۹-۸۹.
- ۲۱- عیوضی، م.، و کریمی، غ. (۱۳۹۰). مشارکت اجتماعی زنان، رویکرد اسلامی. *فصلنامه دانش سیاسی*، ۷(۲)، ۱۳۳-۱۶۶.
- ۲۲- غفاری، غ.، و یوسفی، ن. (۱۳۹۷). فرصت‌های نابرابر و مشارکت اقتصادی زنان. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۹(۲)، ۶۷-۹۸.
- ۲۳- فرجی، ی. (۱۳۹۸). *تئوری اقتصاد خرد*. چاپ چهاردهم. شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- ۲۴- محمدی، م. (۱۳۸۵). اشتغال زنان و نقش آن در توسعه. *مجله دانش پژوهان*، ۹.
- ۲۵- مطهری، م. (۱۳۷۵). *نظام حقوق زن در اسلام*. چاپ نوزدهم. انتشارات صدرا.
- ۲۶- مکارم شیرازی، ن.، و جمعی از نویسندگان. (۱۳۶۳). *تفسیر نمونه*. چاپ سی و دوم. دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۷- ملاوردی، ش.، (۱۳۷۹). جنبش اجتماعی زنان، روزنامه ایران.
- ۲۸- ملکزاده، ف. (۱۳۹۲). *تأثیر جنسیت بر اشتغال زنان*. چاپ اول. انتشارات جامعه‌شناسان.
- ۲۹- یوسفی، ا. (۱۳۹۰). سیاست‌های راهبردی در اشتغال زنان از دیده آموزه‌های اسلامی. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۰(۳۹)، ۶۳-۸۴.
- 30- Beker, E., (2011). Female Education, Labor Force Participation and Fertility. *African Economics Reserchbconsortium(AERC)*. Nairobi-Kenya.

- 31- Coomans, F. (2011). The extraterritorial scope of the international covenant on economic, social and cultural rights in the work of the United Nations Committee on economic, social and cultural rights. *Human Rights Law Review*, 11(1), 1-35.
- 32- Goldin, C. (1995), "The U-Shape Female Labor Force Function in Economic Development and Economic History", The university of Chicago press, pp 61-90.
- 33- Mammen, K., & Paxson, C. (2000). Women's work and economic development. *Journal of economic perspectives*, 14(4), 141-164.
- 34- Munchin, C and Wijnbergen, (2009), "Economic Growth-Female Labor Force Participation Nexus", an Empirical Evidence for Pakistan, *The Pakistan Development Review*, 51, pp.565-586.
- 35- Mincer, J. (1985). Intercountry comparisons of labor force trends and of related developments: an overview. *Journal of labor economics*, 3(1, Part 2), S1-S32..



Comparative Study of Islamic and Western Perspective of Women's participation in economic activities

Soheila Biria*

Assistant professor of Gostaresh, MSRT, Tehran, Iran.

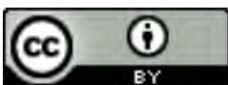
sh_biria@msrt.ir

Abstract:

Women make up half of the world's population. Therefore, their economic activities, as half of the community workforce, are very effective in achieving economic growth and development. Different societies have different views about the extent of women's participation in economic activities. In the west view, Women enter the labor market without any restriction and engage the economic activities. Their job role is primarily in priority and important than the role of their mother and wife. But in Islam views, while emphasizing woman's participation in economic activities, their roles as mother and wife are emphasized. Islam accepts woman's employment under certain conditions. In this research, an attempt has been made to examine these two perspectives and compare them with each other. Then, the consequences and results of these views on the current situation of women in these societies are examined.

This article has been prepared by descriptive and analytical methods, using library information.

Keywords: Economic Participation, Employment, Feminist, Islam, Women.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)